

درس دوم پنجره های شناخت

بند اول: واژه : کلمه

بند دوم: خلق: مردم، آفریده/ خلقت: آفرینش/ خالق: آفریننده/ هم خانواده: خلق-خلقت-خالق

بند سوم: درنگ: صبر-بازگو کنید: بیان کنید/ کلمات هم خانواده: عجله: تعجیل، عجل

بند چهارم: سپری شد: گذشت-تفکر: فکر کردن شباهت: شبیه بودن

کلمات هم خانواده: تفکر: فکر، افکار/ تفاوت ≠ شباهت

بند پنجم: خلق: مردم، آفریده-خلقت: آفرینش-خالق: آفریننده برخاست: بلند شد

ما با شناخت خود و شناخت خلق و خلقت سرانجام به خالق همه ی این همه ی اینها ایمان می آوریم

معنی: ما با شناختن خودمان و شناخت مردم و آفریده های آفرینش، عاقبت به آفریننده ی واقعی (

خداوند) ایمان می آوریم

بند ششم: عالم: جهان-احسان: نیکی/ کلمات هم خانواده: احسان: حسن، تحسین

بند هفتم: دیدگاه: نظر/خودبینی: خود خواه/پیشه سازد: کار خود قرار دهد/سبب: دلیل

مشاهده: دیدن

هر کس تنها به خود تکیه کند و خودبینی را پیشه سازد به شناخت خالق دست نمی یابد به همین سبب خود

با خالق، ارتباطی ندارد.

هر کسی فقط به خودش تکیه و سرگرم خود پسندی و خودخواهی شود نمی تواند خداوند را بشناسد به

همین سبب انسان خودبین و خودخواه نمی تواند به خداوند نزدیک شود.

بند هشتم: به فکر فرو رفته بود: مشغول فکر کردن بود

بند نهم: برخاست: بلند شد

بند دهم : نمایان می کند: نشان می دهد، آشکار می کند / آشکار ≠ پنهان

بند یازدهم : نه‌راسیم: نترسیم / آگاهی ≠ جهل / کلمات هم خانواده : کشف: اکتشاف، کاشف

واژه آموزشی

کلمات هم خانواده : کلماتی هستند که دارای ۳ حرف مشترک که هم ریشه باشند هستند.

جمله: یک یا چند کلمه است که پیامی را از گوینده به شنونده و یا از نویسنده به خواننده می‌رساند.

فعل: اصلی ترین قسمت جمله است جمله بدون فعل کامل نیست. فعل بر انجام دادن کار و روی دادن حالتی در زمان مشخصی دلالت می‌کند.

هر جمله‌ای که می‌شنویم یا می‌خوانیم، از دو بخش تشکیل شده است که نهاد و گزاره نام دارند. به طور کلی، هر جمله خبری را درباره کسی یا چیزی بیان می‌کند. با توجه به همین نکته می‌توان نقش نهاد و گزاره را در جمله تعیین کرد.

«نهاد» چیزی یا کسی است که درباره آن خبر می‌دهیم.

«گزاره» نیز آن خبری است که درباره نهاد بیان می‌کنیم.

فعل به نهاد نیاز دارد.

معلم به کلاس آمد. معلم: نهاد به کلاس آمد : گزاره

نکته: نهاد انجام دهنده کار است. علی کتاب را از روی میز برداشت

نکته: برای پیدا کردن نهاد چه کسی یا چه چیزی + فعل

علی کتاب را از روی میز برداشت. چه کسی برداشت ؟ علی

نکته: تمام کلمات بعد از نهاد، جز گزاره هستند. از روی میز برداشت : گزاره

نکته: همیشه فعل در گزاره می‌آید.

نکته: نهاد همیشه در اول جمله نمی‌آید.

در فصل بهار درختان لباس سبزی پوشند.

چه کسانی می پوشند؟ درختان درختان : نهاد و بقیه جمله گزاره

نکته: نهاد اگر کننده کار باشد فاعل است و به آن نهاد فاعلی گفته می شود

معلم نهاد فاعلی . معلم به کلاس آمد

نکته: در هر جمله یک نهاد و یک گزاره داریم

شیخ محمود شبستری از شاعران قرن هفتم است.

چه کسی است؟ شیخ محمود شبستری و بقیه جمله گزاره

بخوان و حفظ کن ای مادر عزیز قالب شعر: غزل شاعر: ابوالقاسم حالت

ابوالقاسم عبدالله فرد (۱۲۹۳ - ۳ آبان ۱۳۷۲) متخلص به حالت، شاعر، مترجم و طنزپرداز ایرانی بود. وی،

شاعر سرود «پاینده بادا ایران»، اولین سرود ملی ایران بعد از انقلاب، (با آهنگ محمد بیگلری‌پور) است.

معنی شعر ای مادر عزیز

بیت ۱: ای مادر عزیزم من حاضرم جانم رافدایت کنم، قربان مهربانی، لطف و صمیمیت تو بشم.

نکته مهم: در پایان هر مصراع فعل «شود» حذف شده است.

واژگان: لطف: مهربانی مدارا، نیکویی صفا: پاکی، یک رنگی

بیت ۲: عشق و محبت یاران و دوستان قدیمی هیچ وقت به اندازه عشق و مهربانی تونمی شود و عشق و

مهربانی تو بی نظیر است.

محبت: دوست داشتن کسی، دوستی همپایه: برابر، هم ردیف

بیت ۳: محبت و مهربانی تو هیچ وقت از دلم بیرون نمی‌رود، چون این دل برای همیشه خانه و جایگاه

تو خواهد بود.

بیت ۴: ای مادر عزیزم که به من جان و زندگی بخشیده‌ای، اگر جانم را فدای تو کنم آسان است و ارزشی ندارد

بیت ۵: زیرا خوش حالی و رضایت تو موجب خوشحالی من می شود و خوشحالی و رضایت تو موجب

خوشحالی و رضایت خدا می شود

بیت ۶: اگر اختیار تمام دنیا در دست من بود تمام آن را بخاطر مهربانیت به تو هدیه می کردم

بخوان و بیندیش هدهد : برگرفته از کتاب سندباد نامه ، محمد بن ظهیری سمرقندی

واژه ها : هدهد: پرنده ای به اندازه ی کبوتر با منقاری باریک و خمیده و سری کوچک و بدنی به رنگ قهوه ای که تارچی از پر بر سر دارد ، پوپک ، شانه به سر

« معلوم : آشکار، مشخص / ساده: زود باور / «تله : دام / امثال : مانند / بیهوده: بی فایده

فریب : گول زدن / هوا: در این درس به معنای قصد و نیت / طمع: زیاده خواهی / خلوت : تنهایی
غفلت : نادانی، بی خبری

« ناگهان به هوای دانه و به طمع خوراک به دام می افتند»

یک دفعه به قصد خوردن دانه و به خاطر حرص و طمع خوراک ، گرفتار می شوند و در دام می افتند.

من حواسم جمع جمع است : من کاملاً دقت و توجه دارم

معنی شعر: پرنده ی باهوش که از دام فرار می کرد و در دام نمی افتاد عاقبت با تمام زرنگی و که داشت در دام گرفتار شد.

دیدي که آخر به طمع دانه خودت را گرفتار کردی.

معنی: دیدی که عاقبت به خاطر حرص و زیاده خواهی در دام افتادی و گرفتار شدی

مفهوم کلی داستان هدهد به این مسله اشاره دارد که انسان هادر زندگی باید با عقل و اندیشه به کارها را انجام بدهند تا گرفتار نشوند اغلب گرفتاری ها به خاطر غفلت و نادانی یا غرور و خودخواهی است.